

تلاش‌های دوگانه و متفاوت دولت و دانشگاهیان ایرانی در تاسیس آرشیو ملی ایران

غلامحسین نظامی

چکیده:

اسناد به مثابه ابزاری بی‌واسطه در مراودات اداری، پس از گذشت زمان معین، واجد ارزش تاریخی خواهند شد و از مهمترین منابع پژوهشی به شمار می‌آیند. تلاش برای گردآوری اسناد و ایجاد آرشیو ملی در جهان، به چند سده پیش باز می‌گردد. در ایران با پیشینه درخشان در نظام کشورداری و نظام اداری، بایگانی اسناد دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است، اما عمر تاسیس آرشیو ملی، کمتر از یک سده است. هدف این پژوهش جستجو در چگونگی ایجاد آرشیو ملی ایران و عملکرد آن است.

برای انجام پژوهش، از اسناد منتشر نشده آرشیو ملی ایران، نشریات، منابع کتابی و مصاحبه استفاده شد و ماحصل کار به شکل توصیفی و تحلیلی بیان گردید. در نتیجه مشخص شد که اندیشه گردآوری اسناد تاریخی و ایجاد آرشیو از حدود هفتاد سال پیش شکل گرفت. دولت و دانشگاهیان (با دو هدف متفاوت) در این کار مشارکت داشتند. سرانجام با فراز و نشیب‌های فراوان، تاسیس آرشیو ملی در تاریخ ۱۳۴۹/۲/۱۷ محقق گردید و با بررسی اقدامات سی ساله آن، به نظر می‌رسد که در رسیدن به اهداف اولیه خود، تا حد قابل قبولی، موفق بوده بود.

کلیدواژه‌ها

بایگانی، آرشیو ملی، اسناد

آرشیو ملی، سال ششم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۲۱ و ۲۲؛

صص: ۹۸-۱۱۲

تلاش‌های دوگانه و متفاوت دولت و دانشگاهیان ایرانی در تاسیس آرشیو ملی ایران^۱

غلامحسین نظامی^۲

مقدمه

بی‌شک امروزه آرشیوها به‌عنوان یکی از مراکز اطلاعاتی از نوع دست اول در تحقیقات علمی، بسیار مورد توجه هستند. همچنین اسناد تاریخی از نظر استنادی و ارتباط بی‌واسطه به موضوع، منبعی مهم در پژوهش‌های مختلف به‌ویژه در حوزه علوم انسانی به شمار می‌روند.

پیدایش آرشیوها در مغرب زمین نسبت به شرق و مناطق کمتر توسعه یافته، تاریخ طولانی‌تری دارد و همراه با رشد نهادهای آموزشی و دانشگاهی و نیز سیستم جدید اداری، از چند قرن پیش به‌وجود آمده‌اند. اما در مشرق زمین این اقدام به صورت یک‌دست اتفاق نیفتاده بلکه همواره با کندی، سختی‌ها و موانعی روبه‌رو بوده است.

نکته دیگر این که توجه به روند ایجاد آرشیو و عوامل مختلف آن می‌تواند کارکرد و محتوای آن را تا حد زیادی مشخص نماید. همچنین نقش آن را در مفید بودن، تاثیرگذاری در تحولات علمی و فرهنگی و کمک در رشد دانش، تا اندازه‌ای مشخص سازد. یکی از این کشورها ایران است که در سال ۱۳۴۹ در آن آرشیو ملی تاسیس شد، ولی پروسه ایجاد آن سال‌ها به طول انجامید و با پیچ و خم‌های زیادی روبه‌رو بود.

این پژوهش با تکیه بر اسناد دست اول آرشیوی و سایر منابع تاریخی، بر آن است تا ضمن بررسی دلایل و چگونگی تاسیس آرشیو ملی ایران، مراحل و عوامل تاثیرگذار آن را مشخص نماید به کارکرد و محتوای آن اشاره‌ای داشته باشد تا اهداف قانون اولیه و بنیانگذاران آن را روشن سازد. هر چند از گذشته مطالب متعددی در رابطه با تاریخ آرشیو در نشریات کشوری به چاپ

۱. خلاصه این مقاله در سال ۲۰۱۵ در کنفرانس بین‌المللی اسناد و آرشیو در دانشگاه آمستردام هلند، از سوی نگارنده قرائت شده است.
۲. دکترای تاریخ، مدرس دانشگاه و مدیر اسبق اسناد و کتابخانه ملی پوهیر.
nezamih۰۷@gmail.com

رسیده با این حال بیشتر جنبه گزارشی داشته و بر مبنای پرونده‌های منتشر نشده تاریخ آرشیو ملی نبوده است. پژوهش حاضر برای یافتن پاسخ سوالات مطرح‌شده به کمک اسناد دست اول آرشیو ملی ایران، منابع تاریخی در کتاب‌ها و مقالات و نیز مصاحبه با بنیانگذار آرشیو ملی ایران - دکتر سیروس پرهام - با روش کتابخانه‌ای، موضوع را دنبال کرده تا به این مهم دست یابد.^۱

۱. نگاهی کوتاه به سیر بایگانی اداری و نظریه آرشیو ملی در ایران

با نگاهی گذرا به تاریخ پنج هزار ساله ایران از دوره ایلامی تا دوره معاصر، می‌توان دریافت که سنت ثبت رویدادها و نگهداری آن به صورت الواح گلین و کتیبه‌ها و نیز دقت در حفظ و نگهداری آن‌ها در یک محل معین برای استفاده آیندگان، از سابقه‌ای طولانی برخوردار بوده است که پیشگامی ایرانیان را در این امر نشان می‌دهد.

این رویه در طول دوره باستان و میانه به اشکال مختلف ادامه یافت و در فرازهایی از تاریخ ایران، شکل منظم و دیرپایی به خود گرفت و سال‌ها به حیات خود ادامه داد. بایگانی حکومتی سلسله قاجار (۱۲۰۸ تا ۱۳۴۲ ق.) در واقع شکل استمرار یافته‌ای از این روند، از دوره صفوی (۹۰۴ تا ۱۱۴۸) بود که از سنتی دیرین، به یادگار مانده بود.

ریشه بنیاد آرشیو فعلی ایران به تحولات مهم سیاسی و اداری دوره قاجار می‌رسد. در ابتدای حکومت این سلسله -آغاز قرن نوزدهم- ایران تحت‌تأثیر تحولات جهانی و گسترش ارتباطات خارجی قرارگرفت که باعث تغییر در نگرش پادشاه و دربار به نظام حکومتی و سازمان‌های کشوری گردید. در نتیجه وزارتخانه‌های جدیدی به‌وجود آمد و به مرور چرخه نظام اداری از حريم خصوصی منشیان در منازل شخصی خود، به ساختمان‌های جدید دولتی تبدیل شد. با این حال، فاقد بایگانی دایمی بودند (آبراهیمیان، ۱۳۸۹، ص ۲۹).

توسعه تشکیلات اداری در نیمه قرن نوزدهم شتاب گرفت. پیامد این رویداد، انبوه نامه‌ها، مکاتبات و قراردادهای مهمی بود که عمر آن‌ها از نظر زمانی و استفاده اداری آن، به پایان نرسیده بود و همواره مورد استفاده مجدد و استناد در قضایای مختلف بود. از طرفی سازماندهی و چینش صحیح و اصولی درست اسناد اداری برای بازیابی و استفاده در چرخه اداری اهمیت داشت و مورد نیاز بود.

هر چند گاهی اقداماتی برای حل این مشکل صورت می‌پذیرفت ولی قبل از این که اقدامی نظام‌مند و پایدار باشد، بیشتر جنبه سلیقه شخصی و زودگذر داشت. مثال آن، جمع‌آوری اسناد مربوط به شهر هرات توسط «میرزا حسین سپهسالار» وزیر ناصرالدین شاه قاجار بود، که به شاه توصیه کرد تا اسناد مذکور را در صندوقچه‌ای نگهداری کند (مستوفی، ۱۳۴۸، ص ۹۳).

همزمان با افزایش وزارتخانه‌های دولتی و توسعه روابط خارجی، بر تعداد سفارت‌خانه‌ها

۱. در این جا باید مراتب امتنان خود را از همکارانم در بخش اسناد راکد آرشیو ملی ایران که با سخاوتمندی پرونده ویژه مربوط به تاسیس آرشیو ملی را در اختیارم گذاشتند ابراز نمایم و نیز از آقای دکتر سیروس پرهام تنویرسین، بنیانگذار، نخستین رئیس آرشیو ملی ایران که با کفایت سن و بیماری، دعوت دوگانه مرا برای مصاحبه پذیرفتند تشکر نمایم.



و کنسولگری‌های خارجی نیز در ایران افزوده می‌شد (شمیم، ۱۳۳۰، ص ۱۹۲). بنابراین وزارت خارجه زودتر از دیگر وزارتخانه‌های دولتی به فکر ساماندهی بایگانی خود افتاد. وزیر خارجه در این امر پیشگام شد. «میرزا مهدی خان ممتحن‌السلطنه شقاقی» وزیر خارجه که تحصیلات خود را در فرانسه به پایان رسانده بود، کتابی تحت عنوان «مأثر المهدیه» نوشت و ضمن تشریح بخش‌های تشکیل‌دهنده وزارت خارجه، لزوم ایجاد اداره آرشیو به عنوان اداره چهارم را توصیه کرد (ممتحن‌السلطنه، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

بنابراین اولین بار بایگانی منظم اداری در وزارت خارجه به‌وجود آمد. سپس این تجربه موفق توسط یک هیأت فرانسوی-بلژیکی که برای اصلاح امور نظام گمرکی در ایران بودند، در طول سال‌های ۱۳۱۹ق. تا ۱۳۰۹ش. برای سایر ادارات دولتی نیز انجام گرفت (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۵۰۰) و تا آخر حکومت قاجار ادامه یافت. بی‌شک این اقدام مهمی در ساختار نظام اداری ایران بود، ولی تنها پایه و مقدمه ایجاد آرشیو به حساب می‌آمد.

۲. تحول نظریه بایگانی‌های اداری به بایگانی کل

در سال ۱۳۰۴ش. حکومت پهلوی روی کار آمد. این تحول با تغییرات بنیادین در نظام اداری همراه شد. به طوری که می‌توان گفت نظم و نظام اداری دوره قاجار که میراث دوره صفوی (از چهارصد سال پیش بود) به یک‌سو رفت و وزارتخانه و ادارات دولتی در ماهیت و ساختار تغییر کردند. از این زمان ایران وارد مرحله جدیدی شد که شاید بتوان آن را شبه مدرن نامید. جامعه از لحاظ اجتماعی و فرهنگی دچار تغییر و تحول شد. در نظام اداری، بنیاد جدیدی گذاشته شد که در واقع با کمی تغییر در حال حاضر امروز در جامعه ایران وجود دارد.

با گذشت چند دهه از توسعه کمی ادارات دولتی و فعالیت افزون‌تر آن‌ها، انبوهی از اسناد و مدارک دولتی در این ادارات باقی مانده بود که در میان آن‌ها مدارک بسیار مهمی نظیر: قراردادهای خارجی، فرامین شاهان، اسناد روابط خارجی و سفارتخانه‌های داخلی، جنگ‌ها و اسناد مربوط به انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ق.) وجود داشت که بیم گم شدن و یا نابودی آن‌ها می‌رفت.

از این رو در ۱۳۰۹/۲/۲۰ش. هیأت وزیران در جلسه‌ای تصویب کرد که اسناد مهم دولتی از سایر اسناد جدا و در ساختمانی در قصر گلستان نگهداری شود. در نتیجه با این دستور حفاظتی، دسترسی به این اسناد نیز محدود می‌شد. این اقدام از نظر ماهیت آرشیوی، گامی به جلو بود و ذهنیت را برای لزوم حفظ آثار در یک مکان معین آماده می‌ساخت. در عین حال این اقدام به‌معنی آرشیو ملی نبود و با آن هنوز فاصله زیادی داشت. همچنین باید اذعان کرد که این اقدام ادامه پیدا نکرد، زیرا حوادثی مانند: آغاز جنگ جهانی دوم، اشغال ایران توسط متفقین، سرنگونی رضا شاه پهلوی و به‌دنبال آن حوادث بعد از جنگ و ملی شدن نفت و روی کار آمدن دولت ملی دکتر



مصدق که همه آن‌ها با ناآرامی و تنش‌های سیاسی و اجتماعی همراه بود، مجالی برای مطرح کردن آرشیو ملی را نداد.

اما در سال ۱۳۳۲ با استقرار دوباره نظم و آرامش سیاسی در ایران و تثبیت دوباره حکومت پهلوی، این بار به صورتی جدی و پیوسته، اندیشه گردآوری اسناد و مدارک دولتی در یک مکان معین به میان آمد و برای انجام آن دولت، مجلس و دانشگاهیان و اندیشمندان، دست به کار شدند. برای تحقق آن طرحی در سال ۱۳۳۳ در مجلس سنا مطرح شد که پیشنهاد می‌کرد یک مرکز جهت رسیدگی به امحاء اوراق زاید و بی‌فایده دستگاه‌های دولتی به‌وجود آید. این طرح به دلیل نقص و نداشتن چهارچوبی مشخص به تصویب نرسید (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۰/۸/۲).

سال بعد کمیسیون ویژه‌ای در وزارت خارجه تشکیل شد که مبنای آن تعیین چهارچوبی برای حل مشکل انبوه اوراق بایگانی راكد در دستگاه‌های دولت بود. در این کمیسیون مقرر گردید که اداره‌ای به نام «بایگانی کل کشور» ایجاد شود، تا تمام پرونده‌های دولتی به این مکان حمل و نگهداری شود. این وظیفه برعهده وزارت خارجه قرار داده شد ولی مکان آن در نخست‌وزیری تعیین گردید (روزنامه کیهان، ۱۳۴۹/۴/۲۶). در این زمینه مذاکراتی صورت گرفت و گزارش‌هایی هم تهیه شد ولی سرانجامی نیافت و چنین ارگانی تاسیس نشد. شاید یکی از دلایل آن، عدم جامعیت قوانین و اساسنامه آن بود.

در این برهه زمانی دولت به‌عنوان عالی‌ترین مرجع اجرایی کشور، به فکر رهایی از اسناد و مدارک دولتی افتاد که مربوط به حدود شصت سال گذشته بود که در آن زمان، یک بحران اداری محسوب می‌گردید. از سوی دیگر اندیشمندان و دانشگاهیان آشنا به آرشیو و کارکردها و مزیت‌های علمی آن، به فکر نجات اسناد تاریخی و استفاده از آن در پژوهش‌های علمی بودند ولی تلاش‌ها کمتر به جایی می‌رسید.

بنابراین، دولت در سال ۱۳۳۵ لایحه‌ای را به‌منظور کسب مجوز قانونی برای امحای اوراق بی‌فایده و غیرضرور در ادارات دولتی برای تصویب تقدیم مجلس سنا کرد که عنوان آن «قانون راجع به از بین بردن نوشته‌ها و اوراق غیرقابل استفاده موجود در بایگانی‌های وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل و بنگاه‌های دولتی» بود.

این لایحه توسط دادگستری تهیه شد ولی در مجلس سنا با مخالفت‌های شدید سناتورها مواجه شد. از جمله دلایل مخالفت، تشریفات بسیار طولانی و در عین حال نامطمئن بود که در زمینه از بین بردن اسناد راكد پیش‌بینی شده بود. سناتورها ضمن انتقاد به لایحه مذکور، اظهار کردند نابودی اسناد غیرضرور و نگهداری اسناد با ارزش تاریخی لازم و ملزوم یکدیگرند و دولت برای نگهداری از اسناد، باید یک مرکز واحدی را ایجاد نماید تا مثل همه جای دنیا این اوراق و اسناد مهم مرکزیت یابد و در موقع لزوم از آن‌ها استفاده شود.



همچنین این نگرانی ابراز گردید که با تصویب این قانون، ممکن است ضررها و خسارات‌هایی از لحاظ فرهنگی، ادبی و تاریخی و بیوگرافی تاریخی وارد شود. بجز آن در این اوراق مطالب جالبی پیدا می‌شود که مورد استفاده نویسندگان و مورخین داخلی قرار می‌گیرد. علت دیگر عدم موافقت مجلس سنا، روش کهنه و بدون اعتمادی بود که برای از بین بردن اوراق زاید پیش‌بینی شده بود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۹/۱۱/۱۴).

همان‌گونه که از مصاحبه نخستین رئیس آرشیو ملی ایران بر می‌آید، خوشبختانه نشانه‌هایی از اطلاع و آگاهی از آرشیو ملی و کم و کیف و فواید آن در مجلس به‌وجود آمده بود. بنابر این مخالفت اعضای مجلس سنا با این لایحه نه به واسطه عدم نیاز به چنین مرکزی، بلکه اطلاع از اهمیت و کارکرد آرشیو در کشورهای پیشرفته بود که بدین ترتیب نمی‌خواستند اسناد تاریخی ارزشمند به دلیل ضعف در قانون آن، به یکباره از بین برود و خواستار ایجاد هم‌زمان آرشیو و بایگانی را کد بودند.

در این زمان علاوه بر توجه مراکز رسمی حکومتی - دولت و مجلس - در این زمینه، تلاش‌هایی نیز از سوی یونسکو برای کمک به کشورهای در حال پیشرفت برای ایجاد آرشیو در کشورهای در حال توسعه صورت گرفت. در ایران این فعالیت‌ها در تشکیلاتی به نام «کمیسیون ملی تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد» وابسته به یونسکو مرکب از شخصیت‌های دانشگاهی و اداری دنبال شد.

در نتیجه از سال ۱۳۳۷ دولت، مجلس و این کمیسیون، با اندیشه و اهداف متفاوت ولی مصمم برای تاسیس آرشیو ملی، دست به کار شدند. در این سال به دستور نخست‌وزیر یک شورای پنج نفره از معاونین تعدادی از وزارتخانه‌ها - که منتخب دیگر وزارتخانه‌ها بودند - برای رسیدگی به مشکل بایگانی‌های راکد انتخاب شدند با این تفاوت که نخستین بار بود که از افراد آکادمیک و اندیشمندان دانشگاهی در قالب کمیسیون ملی یونسکو نیز دعوت به‌عمل آمد تا نظرات خود را در این مورد ابراز دارند. افرادی نظیر: دکتر «محسن صبا» که تحصیل کرده مدرسه شارت فرانسه بود و رساله خود را درباره بایگانی نوشته بود و افراد دیگری مانند «ایرج افشار»، «الهی‌ار صالح»، «عبدالحسین مفتاح» و «حسن شهشهانی» که از رجال دانشگاهی، صاحب مجموعه اسناد تاریخی و از نظر اهمیت و جایگاه آرشیو ملی، افرادی مطلع بودند (افشار، ۱۳۸۵، صص ۱۱۳-۱۲۰).

این دو گروه دولتی و دانشگاهی مأمور تدوین طرحی تحت‌عنوان «قانون بایگانی کل کشور» شدند. هدف آن‌ها این بود که بایگانی ادارات به شکل مدرنی تغییر کند و سوابق مربوط به کارمندان در کارت شناسایی آن‌ها منعکس شود. همچنین تاکید شده بود که باید سیستم بایگانی وزارتخانه‌های دولتی که بسیار کهنه، عریض و طویل و دست و پاگیر شده به شکلی مدرن تغییر یابد (روزنامه کیهان، ۱۳۳۸/۲/۲).

این اقدام با اقدامات مشابه قبلی از این لحاظ متفاوت بود که این بار دستور از یک مرجع رسمی حکومت یعنی نخست‌وزیر صادر شد و دیگران که به شکل پیوسته‌تری ادامه یافت. بالاخره



با گذشت هفت ماه از تدوین قانون بایگانی کشور، در تاریخ ۱۳۳۸/۹/۱۷ توسط شورای معاونین وزارتخانه به پایان رسید. در این قانون مقرّر شد که این سازمان در ساختمان نخست‌وزیری و زیر نظر نخست‌وزیر تشکیل شود.

برای این ارگان دو بخش در نظر گرفته شده بود: یکی بخش اسناد مربوط به کارمندان دولت و دیگر اسناد مهم و محرمانه. به دنبال آن وزارتخانه‌ها موظف شدند که مشخصات کامل کارمندان خود را به بایگانی کل ارسال کنند. در واقع «هدف از تشکیل بایگانی کل، کاستن از تشریفات بورکراسی و تمرکز کلیه اسناد و مدارک تاریخی، سوابق طرح‌ها و پروژه‌ها در یک سازمان مرکزی بود» (روزنامه کیهان، ۱۳۳۸/۹/۱۷).

همان‌گونه که بیان شد هر چند در ترکیب هیات تدوین قانون «بایگانی کل کشور»، از مقامات دولتی و افراد دانشگاهی آشنا به مسایل آرشیو نیز وجود داشتند ولی در نهایت به دلیل اعمال نظر بیشتر از سوی رئیس دولت، در این قانون بیشتر بر بایگانی کل یعنی گردآوری مدارک مهم مورد نظر تاکید شده بود و هیچ تعریفی از آرشیو به عنوان یک مرجع علمی ارایه‌دهنده خدمات اسنادی به پژوهشگر در آن وجود نداشت. نگرش دولت به این تشکیلات صرفاً به عنوان بخشی از نخست‌وزیری به منظور تسهیل امور به کارمندان دولت بود (آرشیو ملی ایران، پرونده ویژه تاسیس آرشیو در ایران).

هر چند این متن در چند نوبت اصلاح شد ولی در سال ۱۳۳۹ عملاً کنار گذاشته شد و این بار وزارت کشور به فکر ایجاد تشکیلات جدیدی در این موضوع افتاد. در تاریخ ۱۳۳۹/۹/۲۲ وزیر کشور طی نامه‌ای به انضمام متن پیشنهادی تصویب‌نامه جدید به نخست‌وزیر، خواستار تأسیس سازمانی به نام «سازمان آرشیو عمومی» - وابسته به وزارت کشور - گردید. یک ماه بعد از آن، این متن پیشنهادی در شورای عالی معاونین وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی کشور مورد بررسی قرار گرفت و توسط معاون نخست‌وزیر برای اعلام نظر به وزارت گمرکات و انحصارات فرستاده شد (ساکما، سند شماره ۲۷۶۲۶-۲۴۰۰).

متن ارسالی پس از مطالعه مورد تأیید قرار نگرفت و پاسخ داده شد که چون اخیراً دو متن قانون پیشنهادی تحت عناوین، «لایحه قانون امحاء اوراق زائد» و «لایحه قانون تشکیل بایگانی ملی یا بایگانی مرکزی» تدوین شده است، بنابراین در صورتی که بایگانی ملی تشکیل شود، دیگر نیازی به تصویب طرح «آرشیو عمومی کشور» نیست و اگر هم طرح بایگانی ملی به تصویب نرسد، تصویب‌نامه پیشنهادی «سازمان آرشیو عمومی» کافی به نظر نمی‌رسد و پیشنهاد می‌شود که بهتر است همان بایگانی ملی یا مرکزی تشکیل شود تا این وظایف را انجام دهد (ساکما، سند شماره ۲۷۶۲۶-۲۴۰۰). اگر هم فعلاً ایجاد بایگانی ملی مقدور نباشد، طرح «سازمان آرشیو عمومی» کشور مفید است به شرط این که عنوان آرشیو عمومی نداشته باشد (ساکما، سند شماره ۲۷۶۲۶-۲۴۰۰).



با نگرشی بر متن و مواد قانونی تصویب‌نامه پیشنهادی «سازمان آرشیو عمومی» می‌توان دریافت که این ارگان به هیچ‌وجه نمی‌توانست وظایف مرکز بایگانی ملی یا مرکزی را انجام دهد و در واقع دنباله‌ای از وزارت کشور به شمار می‌رفت که در مواردی می‌توانست انجام برخی امور آن را تسهیل نماید. بدیهی است که این طرح نمی‌توانست مورد قبول کسانی باشد که ایده آرشیو ملی را از سال‌ها پیش دنبال می‌کردند که سرانجام چنین نیز شد و این طرح به مرحله عمل نرسید. از سوی دیگر وظایفی که برای این سازمان در نظر گرفته بودند وظایف آرشیو ملی نبود، بلکه بخشی از آن به وزارت کشور و بخشی نیز مربوط به وظایف شهرداری بود. مانند: تهیه شناسنامه شهرها، همکاری با شهرداری در تزئین اماکن عمومی نظیر میدان‌ها و پارک‌های عمومی کشور که ارتباطی با وظایف علمی آرشیو ملی مانند آنچه در کشورهای پیشرفته - ده‌ها سال پیش از آن شکل گرفته بود - نداشت.

بعد از این طرح، تا دو سال دیگر هیچ‌گونه پیشنهادی مطرح نشد. با این وجود فکر تاسیس آرشیو ملی از بین نرفت زیرا دولت روزبه‌روز بیشتر تحت فشار قرار می‌گرفت و حجم بایگانی راکد وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی همواره در حال افزایش بود. این امر باعث تحمیل هزینه‌های بسیار بر دولت می‌شد و چه بسا کارکنان زیادی از دولت که درگیر کار نگهداری و مسائل وابسته به بایگانی‌های راکد بودند، می‌توانستند در بخش‌های دیگر به کار گرفته شوند.

۳. گذار از نظریه بایگانی کل به آرشیو ملی

در سال ۱۳۴۱ شورای عالی اداری که نهادی تصمیم‌گیرنده بین دولت و ادارات رسمی دولتی بود، تشکیل شد. یکی از وظایفی که برای این ارگان که در راس ادارات قرار داشت، بررسی طرح تدوین قانون پیشنهادی مرکز بایگانی راکد کشور بود. کسانی که در این بخش از شورای عالی اداری مشغول به کار شدند، اشخاصی مطلع و با تجربه بودند که می‌بایست در ابتدا وضعیت بایگانی راکد ادارات دولتی را با ذکر آمار و ارقام مشخص سازند. بنابراین فرم‌هایی که در بردارنده وضعیت بایگانی راکد وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی بود آماده و برای ارگان‌های دولتی ارسال گردید.

فرم‌های ارسالی پس از تنظیم به شورای عالی اداری برگشت داده شد و سرانجام آمار به دست آمده به این شرح اعلام شد: «حدود ده میلیون پرونده راکد در این بایگانی‌ها وجود دارد که در ۱۲۷۰ اتاق انباشته شده و فضایی متجاوز از ۱۲۰۰۰ (دوازده هزار) مترمربع را اشغال کرده و هزینه نگهداری آن‌ها سالیانه بالغ ۳۸/۰۰۰/۰۰۰ (سی و هشت میلیون) ریال می‌گردد» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۹/۱۱/۱۴).

آمار به دست آمده نشان از یک وضعیت نامطلوب می‌داد که می‌بایست هر چه سریع‌تر به آن رسیدگی می‌شد. از طرفی بدون تکیه‌گاه رسمی یعنی ارگانی که با یک قانون مصوب به‌وجود آمده باشد



نیز چنین کاری امکان‌پذیر نبود. دولت به فکر چاره‌جویی برآمد اما این کار دو سال بعد شروع شد. در سال ۱۳۴۳ با آغاز تغییرات اداری و اجتماعی جدید در ایران، موقعیت مناسبی در زمینه طرح آرشیو ملی، به‌وجود آمد و دولت این کار برعهده شورای عالی اداری گذاشت. با شکست طرح‌های پنج ساله در تدوین متون قانونی تشکیل آرشیو ملی یا بایگانی مرکزی، این بار شورای عالی اداری با مطالعه بیشتر، از شخصیت‌هایی نظیر دکتر سیروس پرهام و خانم منیره روحانی دعوت به عمل آورد، افراد دیگری مانند: دکتر گودرزی، دکتر پیر نظر، دکتر خوشبین و آقای راسل فارمر - کارشناس سازمان ملل که بازنشسته آرشیو ملی انگلستان و فردی با تجربه بود- درگیر کار شدند.

علاوه بر آن وزارت فرهنگ و آموزش عالی که کار اداره و نظارت بر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور را برعهده داشت نیز کار تأسیس آرشیو ملی را دنبال کرد. وزیر فرهنگ در تاریخ ۱۳۴۳/۷/۱۶ با ارسال نامه‌ای رسمی به معاون خود، ضمن توضیح درباره اهمیت حفظ اسناد تاریخی، پیشنهاد تشکیل بایگانی ملی یا «آرشیو ناسیونال» را مطرح کرد. وی اشاره نمود که این از وظایف وزارت فرهنگ است، او آگاهی از آخرین تکنیک‌ها و علوم را در این زمینه لازم شمرد و تقاضا کرد کمیسیونی تشکیل شود و از دکتر محسن صبا نیز دعوت به عمل آید (ساکما، سند شماره ۲۹۷۰۳۶۳۶۳).

این بار که شورای عالی اداری تصمیم به ایجاد تشکیل آرشیو ملی گرفته بود، تقریباً کارها به طور پیوسته پیش می‌رفت. ابتدا لایحه قانونی «مرکز بایگانی راکد» به شکلی ابتدائی تهیه شد و چند بار در شورای عالی اداری مورد تجدید نظر قرار گرفت. سپس برای آشنایی بیشتر از تجربه‌های موفق در زمینه آرشیو در کشورهای پیشرفته، با کمک سازمان ملل، آقای پرهام و یک نفر دیگر از کارشناسان شورای عالی اداری برای مطالعه عملی در مورد کارکرد و تشکیلات آرشیوهای ملی انگلستان و آمریکا به مدت هشت ماه -دو ماه انگلستان و شش ماه آمریکا- راهی اروپا شدند (محمملو، ۱۳۸۶، صص ۱۲۱-۱۴۲) تا بعداً طرح نهایی متن قانون پیشنهادی آرشیو ملی با تکیه بر آن تجارب تدوین شود.

در همین زمان شورای عالی اداری بار دیگر به تحقیق در مورد وضعیت بایگانی راکد وزارتخانه‌ها و ادارات دولت ایران پرداخت و نتیجه آن را این چنین منتشر ساخت: «در حال حاضر این طبقه از اوراق و سوابق متجاوز از ۱۲۵۰ اطاق از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی ایران را اشغال نموده‌اند که اجاره تقریبی آن‌ها در حدود ۷/۷۰۰/۰۰۰ (هفت میلیون و هفتصد هزار) ریال و هزینه نگهداری آن‌ها، ۴۴/۰۰۰/۰۰۰ (چهل و چهار میلیون) ریال در سال بالغ می‌گردد». این آمار خوشایندی برای دولت نبود، بنابراین در شورای عالی اداری طرحی برای ایجاد «مرکز بایگانی راکد» پیشنهاد شد (آرشیو ملی ایران سند، فایل ۳). در این طرح برای اوراق و سوابق دولتی سه مرحله مشخص شده بود:



الف: مرحله جاری

ب: مرحله راکد

ج: مرحله نهایی.

در مرحله جاری اوراق به طور روزمره مورد استفاده بودند، در مرحله راکد، گاهگاهی استفاده می‌شد و در مرحله نهایی به‌ندرت مورد استفاده قرار می‌گرفت. بنابراین می‌بایست پس از پالایش نهایی، اوراق زائد و بی‌فایده امحاء گردند و اسناد با ارزشی که قابلیت استناد تاریخی دارند به آرشیو ملی منتقل شوند.

پیشنهاد شده بود که اوراق مرحله «ب»، به بایگانی راکد منتقل شوند. طبق آمار، این بخش شامل انبوهی از اسناد می‌شد که پنجاه درصد آن در حال نابودی بود. دوره تاریخی اوراق راکد در این طرح از سال ۱۱۴۵ ق. تا سال ۱۳۴۳ ش. یعنی حدود ۲۶۶ سال تخمین زده می‌شد و مساحتی بالغ بر ۲۰/۰۰۰ مترمربع را در برمی‌گرفت. بیشتر حجم اوراق مربوط به زمان مشروطه (۱۲۸۵ ق.) تا سال ۱۳۴۰ ش. یعنی یک دوره‌ای شصت و پنج ساله بود.

برای ایجاد آرشیو، زمینی به مساحت، ۲۰/۰۰۰ مترمربع درخواست شد که نیمی بخش اداری و رفاهی و نیمی دیگر به مخازن بایگانی راکد اختصاص یابد. البته در بخش دیگر گزارش آمده بود که اگر ۱۵/۰۰۰ (پانزده هزار) متر مربع برای زمین بایگانی راکد در نظر گرفته شود بهتر است، زیرا مساحت کمتر، باعث دقت بیشتر در غربال‌گری اسناد می‌شد و از انباشت و جمع‌آوری بیهوده آن‌ها جلوگیری می‌کرد. مابقی گزارش مشروح ذکر شده، عبارت از مسائل فنی ساختمان بایگانی ملی، کارمندان، و نحوه نظارت بر امحاء اوراق زائد بود (آرشیو ملی، اسناد نخست‌وزیری، فایل ۳). آقای پرهام ضمن مطالعه و آموزش عملی در آرشیوهای انگلستان و آمریکا در برگشت به ایران، گزارش مفصلی را به شورای عالی اداری در این مورد ارائه کرد. نکته قابل توجه در گزارش وی، دقت و هوشیاری در طرح همزمان ایجاد «مرکز بایگانی راکد» و «آرشیو ملی» بود. در این گزارش ابتدا ایجاد «مرکز بایگانی راکد» مدّ نظر بود که به فوریت برای رفع مشکل کمبود فضای اداری دستگاه‌های دولتی ایجاد شود و بعداً تأسیس «آرشیو ملی» که در واقع مرکزی ثانویه و تکمیل‌کننده مرکز اول، برای جدا سازی اسناد مهم تاریخی و نگهداری آن بود، پیشنهاد شد (آرشیو ملی ایران، پرونده ویژه...، فایل ۱). آن چه مسلم است، تأسیس مرکز بایگانی راکد، مقدمه آرشیو ملی بود و ایجاد آن را اجتناب‌ناپذیر و موجه می‌ساخت. همراه با رشد و توسعه مرکز بایگانی راکد و انتقال انبوه اوراق و مدارک ادارات دولتی که بالغ بر میلیون‌ها پرونده می‌شد، آرشیو ملی نیز از مدارک تصفیه شده مهم تاریخی شکل می‌گرفت.

طرح تصویب نامه تأسیس «مرکز بایگانی راکد کشور» در جلسه مورخ ۱۳۴۳/۷/۹ در هیأت رئیسه شورای عالی اداری مورد رسیدگی و تأیید قرار گرفت و طی نامه شماره ۲۹۱۵/ت مورخ



۱۳۴۳/۷/۱۳ توسط وزیر مشاور و دبیرکل شورای عالی اداری کشور، برای طرح در جلسه هیأت وزیران برای نخست‌وزیر ارسال شد (روزنامه کیهان، ۱۳۴۳/۱۰/۸). این تصویب‌نامه که در یک مقدمه و پنج ماده تدوین شده بود، در صورت تصویب در هیأت دولت، راه را برای ایجاد عملی مرکز بایگانی راکد کشور باز می‌کرد.

بالاخره هیأت وزیران در تصویب نامه شماره ۴۰۱۶۲ به تاریخ ۱۳۴۳/۱۰/۱ طرح پیشنهادی پنج ماده‌ای شورای عالی اداری برای ایجاد مرکز بایگانی راکد کشور را تصویب کرد و به شورای عالی اداری ابلاغ نمود (آرشیو ملی ایران، پرونده ویژه، فایل ۳). بنابراین تلاش‌های صورت گرفته به ثمر رسید. حالا نوبت به تدوین متن قانون لایحه پیشنهادی در مورد قانون مرکز بایگانی راکد کشور رسیده بود.

همزمان، تلاش‌هایی برای گرفتن زمین مناسب، برای شروع پروژه ساختمان بایگانی راکد کشور شروع شد. مکاتباتی با سازمان مسکن و فعالیتهایی برای تهیه نقشه و طرح ساختمانی صورت پذیرفت. در نتیجه ۲۲۰۰۰ هزار متر مربع زمین در کوی «کن» در تهران برای این پروژه اختصاص یافت و در مطبوعات کشوری منعکس شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۹/۱۱/۱۴). در این زمان سؤالات زیادی در مورد وظایف و کارکرد این مرکز، آئین نامه انتقال اسناد و بایگانی و نیز چگونگی ارتباط با ادارات دولتی مطرح شد که سیروس پرهام در ۱۳۴۳/۱۰/۲۵ طی یک گزارش جامع ۲۹ صفحه‌ای با عنوان «هدف، وظایف و تشکیلات آرشیو ملی» در این مورد پاسخ داد.

با گذشت چند ماه بعد از تصویب نامه مهم دولت در امر تأسیس مرکز بایگانی راکد کشور، برای سرعت بخشیدن به انتقال به موقع اسناد و اوراق دولتی از بایگانی‌های راکد به آن مرکز، نامه‌ایی از سوی شورای عالی اداری، به وزارت‌خانه‌های مختلف مانند: وزارت آبادانی و مسکن، پست، امور خارجه، راه، فرهنگ و هنر، برای بررسی و ارزیابی بایگانی راکد آن وزارتخانه‌ها ابلاغ شد (همان). اقدام بعدی تدوین متن قانونی برای مرکز بایگانی راکد بود که می‌بایست در دولت، مجلس شورا و مجلس سنا به تصویب برسد تا اجرایی شود. در آغاز تابستان سال ۱۳۴۵ اولین متن، تحت نظر سیروس پرهام و دکتر خوشبین آماده شد. جالب این که عنوان آن نه «مرکز بایگانی راکد»، بلکه «سازمان اسناد ملی ایران» بود که طرح آن پیش از این سابقه نداشت. درایت افراد تدوین‌کننده این بود که در این طرح با هوشیاری متنی قانونی آماده کردند که در صورت تصویب هم مرکز بایگانی راکد و هم آرشیو ملی را در درون خود داشت.

چنان که گفته شد دولت توجهی به آرشیو ملی به عنوان مرکزی برای نگهداری اسناد تاریخی برای انجام پژوهش‌های تاریخی جامعه‌شناسی و اقتصادی در آینده نداشت. آن فقط می‌خواستند دولت را از بار سنگین و پر هزینه بایگانی‌های راکد دستگاه‌های دولتی برهانند.



به هر صورت این متن پس از تدوین، تقریباً هر ماه یا دو ماه یک بار دچار تغییر و اصلاح می‌شد به‌طوری‌که تقریباً سیزده بار اصلاح شد و در سال ۱۳۴۶ از ۲۲ ماده به ۱۷ ماده تغییر یافت و «در سال ۱۳۴۷ این لایحه به دولت تقدیم شد و پس از ۸ ماه سرانجام در ۱۳۴۷/۴/۶ به تصویب رسید» (همان).

نکته مهم این که پس از ارجاع این لایحه به دولت، دوباره مورد تجدید نظر قرار گرفت و پس از تصویب برای رسیدگی نهایی در اختیار مجلس شورای ملی قرار گرفت. این لایحه سه سال در مجلس شورای ملی و بعد در مجلس سنا ماند و در کمیسیون‌های مختلف آن مورد بررسی و اصلاح واقع شد. در نهایت این متن که در ابتدا در شورای عالی اداری شامل ۲۲ ماده بود، در هیات دولت با تغییر به ۱۷ ماده تقلیل یافت و آنگاه پس از بررسی در دو مجلس ایران به ۸ ماده و ۶ تبصره تبدیل شد و در تاریخ ۱۳۴۹/۲/۱۷ به تصویب نهایی رسید (ساکما، سند شماره ۲۷۶۲۶/۲۴۰۰). این تاریخ در واقع تاریخ تاسیس سازمان آرشیو ملی ایران به شمار می‌آید و از همین زمان فعالیت عملی این سازمان طبق وظایف پیش‌بینی شده در قانون آن، در یک ساختمان استیجاری در مرکز تهران شروع شد.

۴. نگاهی به کارکرد و محتوای آرشیو ملی ایران بعد از تاسیس (۱۳۴۹ - ۱۳۶۰)

آخرین متن قانونی مصوب آرشیو ملی ایران بعد از حدود شانزده بار، در هشت ماده به تصویب رسید. طبق ماده اول این قانون، هدف از تاسیس آرشیو ملی ایران، جمع‌آوری و تمرکز پرونده‌ها و اسناد راکد وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت، امحای اوراق زاید و ایجاد شرایط مناسب برای دسترسی عموم مردم به این اسناد بود. البته در ماده هشتم این قانون اسناد ارتش استثنا شده بود. همچنین در ماده ششم قید شده که اسنادی که چهل سال از تاریخ تولید آن‌ها گذشته می‌بایست به‌طور قطعی در اختیار آرشیو ملی ایران قرار گیرد. در عین حال که ادارات مالک اسناد می‌توانند مدت دسترسی را با ملاحظات خود، تا دو برابر افزایش دهند.

برای این سازمان یک رئیس و یک شورا در نظر گرفته شده بود که رییس می‌بایست توسط وزیر علوم و تایید هیات وزیران تعیین شود و دارای سابقه علمی، مطلع از مسایل فرهنگی و چهره‌ای مقبول از این لحاظ در سطح جامعه باشد. شورای آرشیو ملی نیز شامل وزیر امور خارجه، وزیر علوم، دادستان کل کشور، دبیر کل اموراداری و استخدامی کشور، دادستان دیوان محاسبات و نیز دو نفر متبحر در تاریخ و فرهنگ ایران به پیشنهاد وزیر علوم بود که برای سه سال منصوب می‌شدند (قانون اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۱، صفحات مختلف). آرشیو ملی ایران بعد از تاسیس در ساختمانی در خیابان زاهد تهران، بطور موقت مستقر شد



که البته ظرفیت‌های لازم از نظر فضای استاندارد- را نداشت. کار ارزشیابی بایگانی ادارات که پیش از این مقدمات آن شروع شده بود، به طور رسمی آغاز شد. شورای آرشیو ملی با نمایندگان وزارتخانه‌ها، انواع اوراق امحایی و انتقالی -به آرشیو ملی- را مشخص نمودند و درباره مدت انقضاء اسناد در ادارات، به توافق رسیدند.

کارشناسان آرشیو به طور عملی کار خود را شروع کردند. در مدت دو سال، ده ها هزار پرونده دولتی ادارات مختلف به آرشیو منتقل شد و دهها تن اوراق غیرضروری امحاء گردید. بدین ترتیب فضای ادارات که سال‌ها در اشغال اسناد و مدارک بود آزاد شد. در واقع دولت از رنج نگهداری انبوه اوراق در بایگانی راکد ادارات که طبق قانون مجازات عمومی، حق امحاء غیر قانونی آن‌ها را نداشت، راحت شد. همزمان کار آموزش مسئولان اسناد و بایگانی‌های ادارات دولتی به منظور آشنایی با شیوه‌های جدید و درست بایگانی شروع گردید که در نتیجه این افراد آموزش دیده به‌عنوان کارشناسان رابط با آرشیو ملی، پروسه انتقال اسناد به آرشیو ملی را تسهیل می‌نمودند. در سال‌های بعد بخش‌های دیگری نظیر: مرمت و نگهداری، فهرست‌نویسی، ثبت رکوردها در سیستم، امور بین‌الملل و انتشارات نیز در آرشیو ملی فعال شد و رییس آرشیو ملی توانست در اجلاس شورای جهانی آرشیو شرکت نماید و بعداً به ریاست شورای آرشیو جنوب آسیا (سواریکا) برسد.

این روند رو به رشد حتی با وقوع انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع در مقابل عراق نیز متوقف نشد و بعد از جنگ فعالیت‌های همه‌جانبه سرعت گرفت. مکانیزه‌شدن امور در آرشیو ملی و توجه روسای جمهور به‌عنوان رییس هیات امناء آرشیو ملی و نیز دستور ساخت پروژه عظیم ساختمانی آرشیو ملی از جمله رویدادهای مهم سازمان آرشیو در سی ساله اخیر است. این رویدادها با روند سریع توسعه همه‌جانبه، باعث رشد سریع آمار اسناد آرشیوی و امکانات شد، به طوری این رشد به دو برابر قبل رسید. در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۲ به دستور شورای عالی اداری، آرشیو ملی و کتابخانه ملی (تاسیس ۱۳۱۶) با هم ادغام شدند و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران را با دو معاونت کتابخانه ملی و اسناد ملی تشکیل دادند.

نتیجه

توسعه کمی وزارتخانه‌های دولتی ایران در نیمه قرن نوزدهم و توجه به سنت بایگانی اسناد با گذشت زمان، باعث انباشت انبوه اسناد دولتی گردید. این مساله اولاً باعث لزوم ایجاد بایگانی جدید شد و در مرحله بعد برای حفظ و دسترسی به اسناد مهم، اندیشه گردآوری همه اسناد را در یک مکان معین به‌وجود آورد.



این تفکر در نیمه قرن بیستم سرعت بیشتری گرفت. با این وصف که دولت و دانشگاهیان و اندیشمندان هر دو در صدد انجام این کار مهم البته با دو اندیشه بایگانی کل و آرشیو ملی برآمدند. البته در این راه هیچ گونه تخصصی در کار نبود به عکس دولت از دانشگاهیان و مدیران ارشد دولتی برای انجام این کار دعوت کرد. در یک دوره ده ساله (۱۳۳۲-۱۳۳۳) متون مختلف با عناوین متفاوتی نوشته شد ولی هیچ‌یک به تصویب نرسید با این حال همه این‌ها پایه‌ای برای طرح اصلی گردید.

سرانجام با دخالت شورای عالی اداری طرحی که تحت عنوان «سازمان اسناد ملی ایران» که شامل بایگانی کل و آرشیو بود تهیه شد. این متن هم در شورای عالی اداری، دولت و مجلس بارها تغییر کرد تا این که بعد از شانزده بار تغییر در سال ۱۳۴۹ به تصویب نهایی رسید و آرشیو ملی کار خود را شروع کرد.

با نگاهی به مواد قانون آرشیو ملی ایران می‌توان گفت که تاثیر نگرش مسلط دولتی و مشکلات هفتاد ساله دولت در بخش بایگانی‌های راکد ادارات، باعث شد که عمده محتوای اسناد آرشیوی را اسناد دولتی تشکیل دهد. در عین حال که از جمع‌آوری اسناد شخصی نیز غافل نمانده است. از سوی دیگر همان طور که بیشتر اندیشمندان دانشگاهی می‌خواستند، در متن قانونی آن آمده بود که هدف نهایی استفاده عموم مردم از این اسناد است. بنابراین می‌توان گفت که در پروسه شکل‌گیری تاسیس آرشیو ملی ایران دولت و اندیشمندان هر دو به اهداف خود رسیدند.

منابع

اسناد:

- ساکما. پرونده ویژه مراحل تاسیس آرشیو ملی ایران.
ساکما. پرونده نخست‌وزیری، فایل ۳.
ساکما. پرونده وزارت آموزش و پرورش، سند شماره ۲۹۷۰۳۶۳۶۳.
ساکما. پرونده وزارت دارایی، سند شماره ۲۴۰۰۲۷۶۲۶.
ساکما. اسناد مخزن، گزارش پیشنهاد شورای عالی اداری برای تاسیس آرشیو ملی ایران، فایل سوم.

کتاب و نشریات:

- افشار، ایرج. (۱۳۸۶). قانون بایگانی کل کشور. *فصلنامه گنجینه اسناد*، شماره ۶۷.
آبراهیمیان، پروانه. (۱۳۸۹). *تاریخ مدرن ایران*. ترجمه ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
آرشیو ملی ایران. (۱۳۹۱). *قانون اسنادنامه*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
شمیم، علی اصغر. (۱۳۳۰). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.



قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
محمّدلو، رویا. (۱۳۸۶). گفتگو با روسای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. *فصلنامه گنجینه اسناد*، شماره ۶۵

مستوفی، عبدالله. (۱۳۴۸). *شرح زندگانی من*. جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات زوار.
ممتحن السلطنه، میرزا مهدی خان. (۱۳۷۹). *مآثر المهدیه*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

روزنامه‌ها:

روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۵۰/۸/۲، ۱۳۴۹/۱۱/۱۴، ۱۳۴۹/۴/۲۶، ۱۳۳۸/۲/۲، ۱۳۳۸/۹/۱۷، ۱۳۴۳/۱۰/۸.

مصاحبه

مصاحبه با دکتر سیروس پرهام در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۳۰، در منزل شخصی ایشان.

